

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کردهای سوریه در گستره

پنج جبهه متفاوت



تحلیل هفته: کردهای سوریه در گستره پنج جبهه متفاوت

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

مؤلف: محمدعلی دستمالی

تاریخ انتشار: ۹۲/۷/۳۰

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۰۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



کردهای سوریه در گستره پنج جبهه متفاوت

استقلال کامل سوریه در سال ۱۹۴۶ میلادی، برابر است با تاریخ تاسیس حزب دموکرات کردستان عراق و همچنین همزمان است با ظهور و افول جمهوری مهاباد که رهبری آن بر عهده‌ی قاضی محمد بود و از این حیث می‌توان این سال حساس و این مقطع سیاسی مهم را دوران مهمی دانست که در آن، اوج‌گیری فعالیت‌های ناسیونالیستی کردهای ایران، عراق و همچنین تداوم فعالیت‌های سیاسی کردهای ترکیه، به موازات موج ملی‌گرایی عربی پیش می‌رود و تنها چند ماه پس از این رویدادهاست که امتزاج ناسیونالیسم عربی با سوسیالیسم بومی شده‌ی بعثی، میشل عفلق، صلاح الدین البیطار و زکی ارسوزی را وادار به تاسیس حزب عربی سوسیالیستی بعث در سوریه نواستقلال یافته می‌کند و بنابراین عجیب نیست اگر شدت گرفتن عواطف ملی‌گرایانه عربی در سوریه آن دوران، منجر به سکوت و سکون حزبی و سیاسی اقلیت کُردی این کشور شده و در عوض مناطق سه‌گانه کردنشین شمال سوریه و حتی خانه‌های کردهای حلب و دمشق، به مامنی برای پناه دادن به آن دسته از فعالان سیاسی کُرد ایرانی، عراقی و ترکیه‌ای تبدیل شده که از کشورهای خود فرار کرده و مدت‌ها در سوریه و لبنان اقامت کردند.

با وجود آنکه در دهه‌ی شصت میلادی در سوریه، کردها نیز همگام با ملامصطفی بارزانی چند حزب و نهاد سیاسی تشکیل داده و به افکار کُردی اهمیت داده‌اند، اما شرایط این کشور به‌ویژه از دوران اقتدار خاندان اسد به بعد، به گونه‌ای نبوده که کردها بتوانند فعالیت چندان منسجم و محسوسی داشته باشند.

برای تحلیل چندوچون عدم فعالیت گسترده احزاب کُرد سوری در دهه‌های گذشته می‌توان به ذکر دلایلی پرداخت که مهم‌ترین آنها عبارتند از: الف) مناطق کردنشین سوریه برخلاف مناطق کردنشین ترکیه، عراق و ایران از عنصر یکپارچگی جغرافیایی برخوردار نبوده



و کردهای شمال سوریه در سه منطقه از هم گسسته ساکن شده و اعراب در این مناطق جایگاه جدی دارند. ب) اغلب مناطق کردنشین سوریه مسطح و در برخی جاها به شکل تپه‌های ماهوری بوده و امکان تشکیل گروه‌های چریکی و اختفا در مناطق کوهستانی برای احزاب کُرد وجود نداشته است. ج) تاثیرپذیری تاریخی و اجتماعی کردهای سوریه از سران کردهای ترکیه، ایران و عراق باعث شده تا نیازی به ظهور و رشد یک شخصیت کاریزمای کُرد سوریه برجسته نشود و کردهای سوریه همواره به عنوان حامیان و عناصر پشت جبهه، از حرکات و جنبش‌های سیاسی کردهای دیگر کشورها دفاع کنند.

در کنار دلایل بالا باید به ذکر این نکته مهم نیز اکتفا کنیم که عبدالله اوجلان رهبر پ.ک.ک، از آغاز دوران اقامت خود در سوریه و لبنان و برقراری روابط حسنه با خاندان اسد، عملاً تبدیل به سوپاپ اطمینانی برای حکومت سوریه شده و اجازه نداد که گفتمان ملی‌گرایی کُردی در کشور سوریه، در مسیر ضربه زدن به امنیت و وحدت سوریه شود و اتفاقاً استفاده از ظرفیت‌های فراوان و بکر کردهای سوریه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باعث شد تا پ.ک.ک، رازبقا و قدرت خود را در این منطقه پیدا کند و هزاران تن از جوانان کُرد سوریه نیز در جنگ پ.ک.ک در برابر ترکیه جان دادند و کمک‌های مالی ده‌ها هزار خانواده کُرد سوریه، امکان تداوم فعالیت‌های سیاسی و نظامی این حزب را فراهم کرد.

اگرچه پس از توافق ترکیه و سوریه بر سر اخراج اوجلان از پ.ک.ک، انتظار می‌رفت که جایگاه پ.ک.ک در مناطق شمالی سوریه تضعیف شود اما این اتفاق نیفتاد. حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و حزب اتحادیه میهنی به رهبری مام جلال طالبانی، چنان درگیر مسائل داخلی عراق و تلاش برای ایجاد اقلیم کردستان عراق بودند که فرصت سازماندهی کردهای سوریه را پیدا نکردند و پ.ک.ک همزمان با تاسیس احزاب اقماری چندگانه‌ای همچون پژاک و حزب راهکار دموکراتیک، حزبی نیز برای کردهای سوریه به وجود آورده و نام اتحاد دموکراتیک را برای آن انتخاب کرد. این حزب که چند هفته پیش جشن دهمین سالگرد تاسیس خود را برگزار کرد، هم‌اکنون در شمال سوریه کنترل اغلب شهرها و روستاها را در دست داشته و دارای نیروی نظامی ۱۵ هزار نفره و نیروی انتظامی و امنیتی می‌باشد.

دولت بشار اسد که در بحران سوریه به یک‌باره با موجی از ناامنی و هجوم روبرو شد، گشودن یک جبهه در شمال سوریه برای جنگ با کردها را به صلاح ندانسته و بر اساس یک



توافق ضمنی، کنترل اغلب این مناطق را به حزب اتحاد دموکراتیک سپرد. البته این توافق به معنی تخلیه کامل شهر از نیروهای نظامی و امنیتی سوریه نبود و به عنوان مثال در حال حاضر فرودگاه شهر کردنشین قامیشلو در دست نیروهای اسد بوده و یگان‌هایی از نیروهای نظامی و امنیتی در این شهر و همچنین در عفرین و حسکه حضور دارند.

کردهای سوریه در ۵ جبهه

برای دسته‌بندی و شناخت روشن جبهه‌های سیاسی و شبه‌نظامی کردهای سوریه، می‌توان آنان را در ۵ دسته‌ی کلی تقسیم‌بندی کرد.

۱. جبهه احزاب و نهادهای نزدیک به اوجالان و پ.ک.ک: تمام نهادها و گروه‌های وابسته به پ.ک.ک و اوجالان در شمال سوریه، در زیر چتر واحدی به نام مجلس شورای غرب فعالیت می‌کنند. حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) و شاخه‌ی نظامی آن به نام واحدهای دفاع از خلق (YPG)، جنبش دموکراتیک (TEVDEM)، نیروهای انتظامی موسوم به آسایش و گروه‌های مرتبط با تامین سوخت و کالا، همگی بخش‌هایی از مجلس غرب هستند. حزب اتحاد دموکراتیک دو رهبر به نام‌های صالح مسلم و آسیه عبدالله دارد و مواضع خود را بر اساس رهنمودهای اوجالان و سران پ.ک.ک اتخاذ می‌کنند.

۲. شورای میهنی کردهای سوریه و جریان‌ات نزدیک به بارزانی: این شورا دربرگیرنده ۱۶ حزب و گروه سیاسی است که همه آنان به مسعود بارزانی و حزب دموکرات کردستان عراق نزدیک بوده و غالب این گروه‌ها در اربیل دارای دفتر اصلی هستند. از مهم‌ترین احزاب این گروه می‌توان به الهارتی به رهبری عبدالحکیم بشار، آزادی به رهبری مصطفی جمعه، آزادی به رهبری مصطفی اُسو، اتحاد به رهبری ابراهیم برو و دموکراتیک پیشرو به رهبری عبدالحمید حاج درویش اشاره کرد. اگرچه برخی از این احزاب از جمله دموکرات پیشرو روابط حسنه و قدیمی‌ای با اتحادیه‌ی میهنی و مام جلال طالبانی دارند اما در کل، به خاطر مجاورت جغرافیایی شمال سوریه با استان اربیل و مناطق تحت اقتدار بارزانی و نیز به خاطر علاقه‌ی تاریخی کردهای سوریه به شخص ملا مصطفی بارزانی، طالبانی در میان کردهای سوریه نفوذ ناچیزی دارد و لذا رقابت قدرت در شمال سوریه بین دو طیف نزدیک به اوجالان و بارزانی در جریان است.

۳. کردهای نزدیک به حکومت سوریه: سیاستمدارانی همچون عمر اُسه (مشاور اوجالان



در دوران اقامت در سوریه و نماینده کنونی دمشق در مجلس)، پروین ابراهیم و برخی دیگر از سیاستمداران کُرد در حلب و دمشق، هنوز هم ماندن در حکومت اسد را بر فعالیت در جبهه کُردی ترجیح داده و این افراد معتقدند که بشار اسد رییس‌جمهور سوریه، از راه مذاکره و گفتگو، مطالبات کردها را برآورده می‌کند. اغلب این سیاستمداران کُرد، روابط نزدیکی با احزاب کُرد دارند اما در مقابل، مواضع تندی علیه اختلاف مخالفین سوریه در استانبول دارند.

۴. کردهای سوریه جای گرفته در ائتلاف مخالفین سوریه: شماری از فعالان سیاسی کُرد سوریه که غالباً سال‌هاست در کشورهای اروپایی اقامت کرده‌اند، از آغاز تشکیل شورای ملی و بعدها با تشکیل شورای ائتلاف مخالفین سوریه، وارد صفوف مخالفین سوریه در استانبول و قطر شدند. از مهم‌ترین این افراد می‌توان به عبدالباسط سیدا، رشید ملا محمد، مَنا مصطفی و یلماز سعید اشاره کرد. این افراد بر این باورند که توافق با مخالفین عرب مهم‌تر از توجه صرف به مسائل و مطالبات کُردی است و خواهان آن هستند که کردها نیز به جبهه مخالفین سوریه بپیوندند. اکثر این فعالان سیاسی روابط حسنه‌ای با شورای میهنی و شخص مسعود بارزانی دارند و در مقابل، با حزب اتحاد دموکراتیک و پ.ک.ک میانه خوبی ندارند.

۵. کردهای سوریه جاگرفته در صفوف گروه‌های افراطی و سلفی: پدیده سلفیت در میان کردهای سوریه یک پدیده وادراتی است و کردها در دهه‌های گذشته در میان اخوان المسلمین سوریه و دیگر گروه‌های دینی و اسلامی سوریه نیز حضور ملموسی نداشته و بررسی اظهارات همه طیف‌های نزدیک به بارزانی، اوجالان و کردهای نزدیک به حکومت و مخالفین سوریه، جملگی حاوی بسامد و لفظ تکرارشونده لایبسم است. اگر بخواهیم موضوع دین‌گرایی و اسلام‌گرایی کردهای سوریه را با ترکیه و عراق مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که اسلام‌گرایی و توجه به اسلام سیاسی و نیز گرایش به اقدامات سلفی در میان کردهای سوریه جایگاهی ندارد اما با آغاز بحران سوریه، برخی از گروه‌های تندرو اسلامی کُرد سوریه نیز وارد میدان شده و به مروجین گفتمان رادیکال و تکفیری پیوسته‌اند. از میان چهره‌های تندرو اسلامی کُرد سوریه می‌توان به ابو عبدالله و برخی گروه‌های مشهور به کتابی فاروق اشاره کرد که غالباً با النصره و القاعده در ارتباط هستند اما در مناطق کردنشین نفوذی ندارند و گروه‌های آنان نیز غالباً در کنار به اصطلاح مجاهدین عرب می‌جنگند و در برخی از جبهه‌ها با ارتش آزاد سوریه نیز همکاری می‌کنند. البته ذکر



این نکته نیز ضرورت دارد که طی چند ماه اخیر برخی از کردهای اسلامگرای افراطی ترکیه و عراق نیز برای جنگ با نظام اسد به سوریه رفته‌اند.

با توجه به آنچه ذکر آن به میان آمد، می‌توان چنین گفت که اساسا کردها در همه صف‌ها زنبیل گذاشته‌اند و با توجه به ترویج رویه عمل‌گرایی در بین سران احزاب کُرد سوریه و احتمال پیوستن آنان به ائتلاف مخالفین سوریه، شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که حتی اگر نظام بشار اسد دوران بحران‌زده کنونی را پشت سر بگذارد، پروژه‌ی ایجاد اقلیم کردنشین سوریه و یا دست‌کم اعطای حق خودمختاری محدود و اداری در این مناطق کلید خورده و بسته به این‌که در کنار رژیم یا در مقابل رژیم قرار بگیرند و نیز با توجه به چندوچون تعامل آنان با اعراب و حوزه‌ی نفت‌خیز رمیلان، کردها در سوریه دارای جایگاه و موقعیت سیاسی متفاوتی نسبت به گذشته خواهند بود. در کنار این موضوع، باید این واقعیت را نیز در نظر گرفت که دینامیسم و پویایی حزبی و سیاسی مناطق کردنشین سوریه، قابلیت آن را دارد که بحران‌های جدیدی را نیز به‌وجود بیاورد. به عنوان مثال پیش‌بینی نتایج رقابت‌های جدی دو جریان بارزانی و اوجلان و نیز چندوچون تعامل احزاب کُرد با نظام سیاسی حاکم در سوریه و همچنین رویکرد آنان در مقابل ائتلاف مخالفین سوریه، می‌تواند منجر به تغییرات مهمی در روند فعالیت حزبی و سازمانی کردها شود و در شرایط کنونی، با آن‌که کردهای نزدیک به اوجلان، حتی پیش‌نویس قانون اساسی خودگران کُردی را تدوین و منتشر کرده‌اند، اما از درک این واقعیت غافل نیستند که جناح ملی‌گرای ائتلاف مخالفین سوریه، جبهه النصره و دولت العراق و الشام و همچنین گروه‌های نزدیک به بارزانی، همگی در این میدان حضور جدی و ملموسی دارند و اگر می‌خواهند که یگانه قدرت این عرصه باشند، باید هزینه‌های سنگینی بپردازند.